

## Belief-Educational Teachings in the Mirror of the Dialogues of the Verses of the World of the Hereafter. (Dialogue of God and Servants)

Jahangir Valadbaigi\*

Received: 21/01/2024

Accepted: 03/08/2024

### Abstract

Conversation or dialogue is a major part of the verses of the Holy Quran. The parties of these dialogues are God and His servants, humans with each other, God and the heavens and the earth, etc., and the topics raised in these dialogues are various religious, moral, political, and social issues. The time of conversations is also diverse and not limited to a specific time and this world, but a wide volume of conversations reflect the situation and atmosphere of that world. God's dialogue with his servants, including the people of disbelief, has the largest volume of dialogues. Focusing on the Qur'anic dialogues in the verses of the world of the hereafter and the classification of the issues raised in them explain the important religious-educational teachings, which is the purpose of the present research using the documentary-library method and the descriptive-analytical and inferential method. The findings obtained from the research in two fields of belief and education show the attention of the verses to the topics of monotheism, the afterlife, prophets, etc. Earning God's approval, gratitude for God's spiritual and material blessings, honesty in life, keeping promises, not being arrogant, cruel and immoral on earth, and striving for the improvement of the earth and optimal use of the given life is in finding the right path. Despite the limitation of the lack of writing in this format, this research can be a suitable model for future research in this field.

**Keywords:** *Quran, dialogue, God, servants, world hereafter, belief, education.*

---

\* Assistant Professor of Theology Department, Farhangian University, Kurdistan Branch, Sanandaj, Iran.

[j.valadb.21@cfu.ac.ir](mailto:j.valadb.21@cfu.ac.ir)



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث» سال ۱۸، شماره ۱، پیاپی ۳۵

پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صص ۲۸۱-۳۰۷

مقاله علمی - مروری

10.30497/qhs.2024.245637.3889

## آموزه‌های اعتقادی - تربیتی در گفتگوهای قرآنی حوزه جهان آخرت (دیالوگ خدا و بندگان)

جهانگیر ولدبیگی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳

### چکیده

گفتگو یا دیالوگ بخش عمده‌ای از آیات قرآن کریم را به خود اختصاص داده است. طرفین این گفتگوها خدا و بندگان، انسان‌ها با یکدیگر، خدا و آسمانها و زمین و... و موضوعات مطرح شده در این دیالوگ‌ها موضوعات مختلف اعتقادی و اخلاقی، سیاسی، اجتماعی است. زمان گفتگوها نیز متنوع و به زمان خاص و این جهانی محدود نیستند بلکه حجم گسترده‌ای از گفتگوها منعکس کننده وضعیت و فضای آن جهانی هستند. دیالوگ خدا با بندگان و از آن جمله اهل کفر بیشترین حجم دیالوگ‌ها را به خود اختصاص داده است. تمرکز بر دیالوگ‌های قرآنی در آیات حوزه جهان آخرت و دسته‌بندی موضوعات مطرح شده در آنها تبیین کننده آموزه‌های اعتقادی - تربیتی مهمی هستند که این مهم هدف تحقیق حاضر به روش اسنادی - کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی و استنباطی را به خود اختصاص داده است. یافته‌های به دست آمده از پژوهش را در دو زمینه اعتقادی و تربیتی نشان از اهتمام آیات به موضوعات توحید، جهان آخرت، پیامبران و ... و مسئولیت پذیری انسان به نسبت اعمال، گفتار و کردار خود، برخورد عقلایی با زندگی، تلاش در جهت کسب رضایت خدا، شکرگزاری نسبت به نعمتهای معنوی و مادی خدا، صداقت در زندگی، وفای به عهد و عدم استکبار و ظلم و فسق در زمین و تلاش در جهت آبادانی زمین و استفاده بهینه از عمر داده شده در یافتن مسیر حق دارد. این پژوهش علی‌رغم محدودیت کمبود نوشتار در این قالب می‌تواند الگویی مناسب برای تحقیقات آینده در این زمینه باشد.

### واژگان کلیدی

دیالوگ، گفتگوی خدا با بندگان، جهان آخرت، تربیت.

[j.valadb.21@cfu.ac.ir](mailto:j.valadb.21@cfu.ac.ir)

\* استادیار گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان، واحد کردستان، سنندج، ایران.

### طرح مسئله

دیالوگ یا همان مکالمه و گفتگوی دو جانبه (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ماده دیالوگ) از روشهای متداول در سخن گفتن و انتقال خواسته‌های ما انسان‌ها به یکدیگر است. قرآن یا همان آخرین کتاب نازل شده از سوی خدا برای هدایت انسان که به زبان عربی و در میان قوم عرب به عنوان نخستین مخاطبان آن نازل شده است متأثر از ادبیات این قوم و زبان آنهاست. این روش از سخن گفتن یکی از روشهای بکار رفته در آیات این کتاب آسمانی است. توجه به گفتگوهای منعکس شده در قرآن و موضوعات مطرح شده در این دیالوگ‌ها تصویری روشن از موقعیت انسان در دین خدا، نقش او در جهان هستی، توجه به سرانجام او و تبیین وضعیت آن جهانی او از یک سو و نقش ایمان به خدا و ایمان به جهان آخرت و انجام اعمال صالح در شکل دهی به شخصیت او از سوی دیگر را نشان می‌دهند.

بررسی موضوع دیالوگ در آیات قرآن نشان از کثرت و تنوع موضوعات مطرح شده و مخاطبین دیالوگ‌ها دارد. به عنوان مثال آغاز امر خلافت در قالب گفتگوی خدا با فرشتگان و ابلیس و ادامه این دیالوگ با گفتگوی الله متعال با آدم و ارائه دستورات لازم به او و همسرش منعکس شده است: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (البقره: ۳۹-۳۰).

گفتگوی الله متعال با آسمانها و زمین برای آفریده شدن نمونه دیگری از این دیالوگ‌هاست: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِالْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت: ۱۱).

دیالوگ الله متعال با اهل کفر و سخن از چرایی گرفتار شدن به دوزخ و درخواست نجات از آن و رد شدن این درخواست با شدیدترین کلمات نمونه دیگری از این گفتگوهاست: «أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ \* قَالُوا رَبَّنَا عَلَبْتْنَا عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ \* رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ... كَلِمُونَ» (المؤمنون: ۱۰۸-۱۰۵).

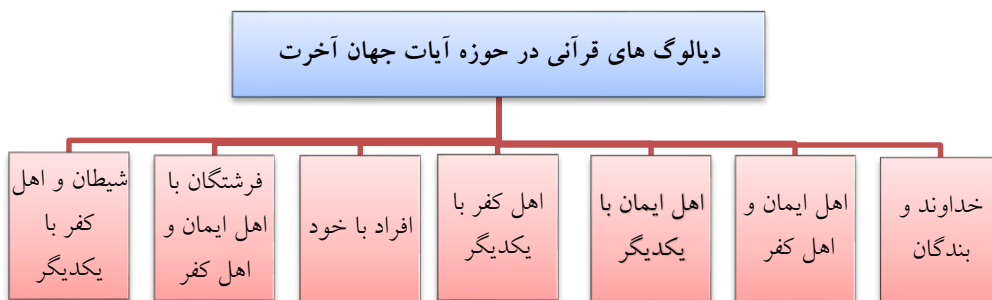
ارتباط فرشته وحی با پیامبران خدا از یک سو و تبلیغ دین خدا و دعوت مردم به تمسک و ایمان به آن و بیان بسیاری از مسایل مهم زندگی در قالب دیالوگ مابین مردم و فرستادگان خدا از سوی دیگر در قالب دیالوگ در آیات قرآن منعکس شده است.

دیالوگ‌ها قرآنی گاهی به سخن گفتن خدا و جهان هستی با یکدیگر اشاره دارند و موضوع این گفتگو موضوع کمیت و کیفیت آفرینش و به وجود آمدن است (خواه تفسیر مجازی از این

گفتگو داشته باشیم و گفته خداوند را امری تکوینی و اراده او بر امرآفرینش (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰، ص ۲۲۸) خواه این گفتگو را گفتگویی حقیقی بدانیم (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۵، ص ۱۹۵).

گاهی خدا و انسان طرفین گفتگو هستند که بیشترین حجم گفتگوهای قرآنی را این قسمت به خود اختصاص داده است و موضوعات مورد گفتگو نیز موضوعات مرتبط با حیات انسان در همه جوانب زندگی است؛ اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و ... (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۱۲). انسان‌های طرف گفتگوی الله متعال نیز گاهی اهل ایمان (مائده: ۱۰۹، فجر: ۳۰-۲۷)، گاهی اهل کفر (غافر: ۷۴-۷۳) هستند. انسان و فرشتگان (مریم: ۲۱-۱۶، ذاریات: ۳۷-۲۴ و ...)، انسان و حیوانات (نمل: ۲۲)، انسان‌ها با یکدیگر (بقره: ۵۴، اعراف: ۶۷، و ...) نیز بخشی از گفتگوها را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی هر کدام از قسمت‌های مورد اشاره تحریر مقالات خاص به خود را می‌طلبد.

زمان گفتگوها نیز به این جهان و مسایل مربوط به آن محدود نشده است. بخش عمده‌ای از دیالوگ‌های قرآنی به جهان پس از مرگ اختصاص دارد و طرفین این دیالوگ‌ها در آیات قرآن به شکل زیر قابل مشاهده است (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۸۹۷):



نمودار شماره ۱

موضوعات مورد گفتگو در این دیالوگ‌ها نیز همان موضوعات مرتبط با حیات و فلسفه آفرینش و کمیت و کیفیت ارتباط انسان با خود و خدای خود و هم‌نوعان و غیر هم‌نوعان اوست.

بررسی گفتگوها و تبیین موضوع مورد گفتگو، مخاطب را به فلسفه ارسال پیامبران، محتوا و دامنه محتوای دین خدا، حقیقت آفرینش و نیز تبیین حقیقت زندگی دنیا و واقعیت حیات پس از مرگ (جهان آخرت) آگاه می‌کند و این همان هدفی است که تحقیق پیش‌رو آن را دنبال می‌کند.

گفتگوی خدا با بندگان خود و در این میان با اهل کفر در جهان پس از مرگ از حجم گسترده‌تری به نسبت دیگر گفتگوها برخوردار است و تمرکز پژوهش حاضر بر این قسمت از گفتگوهای قرآنی از این سبب است (ولدیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۱۷).

صدیقی (۱۳۹۰ش) در «گفتگوهای قرآنی (و بگو)» به انعکاس گفتمان صورت گرفته شده در آیات قرآن پرداخته است؛ گفت‌وگوهای صورت گرفته بین فرشتگان و ابلیس، آدم و حوا و پیامبرانی مانند نوح، هود و ... «گفتمان» اصحاب کهف، اصحاب قریه، لقمان حکیم، گروه جنیان، اهل اعراف، اهل بهشت و مؤمنین و کفار پرداخته است.

النحلاوی (۱۳۹۹ش) در «گفتگوهای قرآنی با رویکرد تربیتی» دست به تخریح نکات تربیتی در گفتگوهای ذکر شده در موضوعات مختلف قرآنی زده است. زینی‌وند و اکبرزاده (۱۳۹۱ش) در «کاربرد امروزی گفتگوهای قرآنی در پرتو اخلاق اسلامی» به نکات اخلاقی در دیالوگ‌های قرآنی اشاره دارند. دهقان نیری به همراه همکاران (۱۳۹۷ش) در مقاله‌ای تحت عنوان «ادب در گفتمان قرآن: گفتگوی موسی با فرعون در سوره اعراف» به موضوع «ادب» در خلال این قسمت از گفتگوهای قرآنی اشاره داشته است.

رضایی (۱۳۹۹ش) در «پدر و فرزند در قرآن از منظر رتوریک» به زیبایی‌های ادبی و بلاغی این نوع گفتگو در قرآن و آثار تربیتی منتج از آن و ارائه یک ایده و الگوی ادبی - بلاغی در گفتگو اشاره دارد. زهرا صالحی متعهد و همکارانش (۱۳۹۳ش) در «گفتگوی تربیتی و اصول و روش‌های آن: واکاوی گفتگوهای تربیتی قرآن» با هدف دستیابی به اصول و روش‌های حاکم بر گفتگوی تربیتی به واکاوی گفتگوهای تربیتی قرآن پرداخته است.

در آثار نوشته شده در موضوع مورد اشاره تمرکزی بر دیالوگ‌های انعکاس یافته در آیات قرآن در حوزه جهان پس از مرگ به چشم نمی‌خورد که عدم انجام این مهم و پاسخگویی به این دو پرسش اصلی که:

۱. دیالوگ‌های منعکس شده در آیات حوزه جهان آخرت در قرآن از چه حجم و تنوع

مخاطبین و موضوعی برخوردار هستند؟

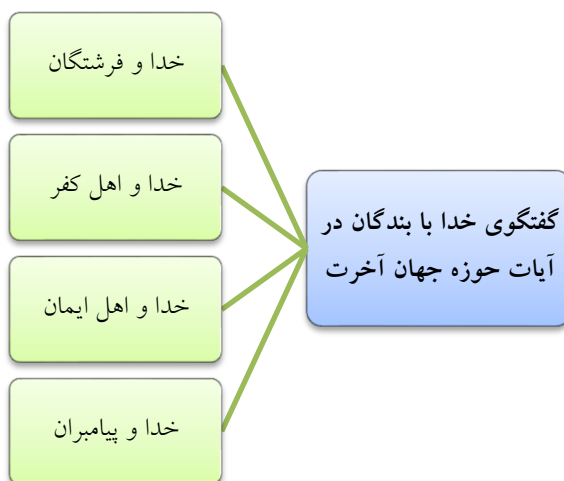
۲. چه نکات اعتقادی - تربیتی از دیالوگ‌های قرآن در آیات حوزه جهان آخرت می‌توان استخراج کرد؟

بر این اساس هدف پژوهش حاضر شناسایی و استخراج آیات مربوط به گفتگوها و دیالوگ‌های جهان پس از مرگ و تمرکز بر موضوعات مورد گفتگوی خدا و بندگان از ابتدای جهان پس از مرگ و به هنگام دادگاه الهی تا ورود هر گروه به جایگاه شایسته خود است. بر این اقتضا رویکرد پژوهش کنونی، رویکرد کیفی با پارادایم تفسیری است. برای دستیابی به این هدف، از روش پژوهش‌های اسنادی - کتابخانه‌ای، روش توصیفی تحلیلی و استنباطی بهره برده شده است. میدان پژوهش نیز همه سوره‌های قرآن و واحد استنباط و تحلیل، «آیه» بوده است.

#### ۱. یافته‌های تحقیق

در بررسی موضوع و تأمل در آیات حوزه جهان پس از مرگ در قرآن (قیامت)، گفتگو و دیالوگ یکی از برجسته‌ترین موضوعات این حوزه و بخش اعظمی از آیات را به خود اختصاص داده بود (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۱۱). طرفین این گفتگوها از تنوع برخوردار بودند. (جدول شماره ۱).

در گفتگوی نوع نخست (خداوند و بندگان)، بندگان طرف گفتگو با خدا گاهی فرشتگان و در بسیاری از آیات، انسان‌ها؛ اهل ایمان و اهل کفر بودند:



اهل کفر در آیاتی از قرآن بندگان خدا خطاب قرار داده شده بودند (فرقان: ۱۷، زمر: ۵۳) و منظور از آنها افراد مکلف و صاحب شعور و اختیاری بودند که نقطه مقابل دعوت پیامبران ایستاده و این انحراف بر زندگی آنها احاطه یافته و تا زمان مرگ هیچ توبه و بازگشتی نداشته‌اند و اینگونه مستحق جهنم شده بودند (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۶۶۸-۶۶۵): «بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَ أَحَاطَتْ بِهِ خَاطَبَةُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (البقرة: ۸۱) و «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاثُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ» (البقرة: ۱۶۱).

اهل ایمان و اهل کفر از جن نیز در دایره این تکلیف قرار دارند اما بنا به عدم اشاره صریح آیات به آنها (آیات دیالوگ‌ها) از ذکر این مخلوقات مکلف در این پژوهش خودداری شده است. گفتگوی نخست، بیشترین حجم از آیات این حوزه را به خود اختصاص داده بود و بیشترین حجم این گفتگوها نیز دیالوگ خدا با اهل کفر بود (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۱۲) و همین امر سبب انتخاب آن به عنوان موضوع پژوهش حاضر و استخراج نکات اعتقادی - تربیتی از آن شد.

در برخی از گفتگوها فاعل فعل‌ها و نیز مخاطب خطاب‌ها، گاهی به شکل مجهول بود که در بسیاری از موارد و بنا به سیاق آیات، متکلم و مخاطب خطاب‌ها قابل تعیین بود: «وَ قِيلَ الْيَوْمَ نُنَسِّأكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَا أَوَّكُنَّ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (الجاثية: ۳۴).

در برخی از آیات این حوزه، دیالوگ‌ها یک طرفه بود (شبه دیالوگ)؛ خداوند سخن می‌گوید و مخاطب «سکوت» می‌کند. این «سکوت» نشان از پذیرش وضع موجود با زبان حال به جای زبان قال دارد: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (المؤمنون: ۱۱۵).

در گفتگوها به عام و در گفتگوی نوع نخست به خاص (گفتگوی خدا با بندگان)، موضوعات مختلفی مطرح شده بود که در دو بخش به مهمترین این موضوعات و تحلیل این گفتگوها و استخراج نکات اعتقادی (فکری) - تربیتی منتج از آنها به شرح زیر اشاره می‌شود:

#### ۱-۱. گفتگوهای خدا و اهل ایمان (پیامبران و مؤمنین)

##### ۱-۱-۱. موضع‌گیری در برابر دین خدا

پرسش از کمیت و کیفیت موضع‌گیری مردم نسبت به دین خدا، نخستین موضوع گفتگوی خدا با اهل ایمان از پیامبران و فرستادگان خود است (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۱۲). خداوند

همه فرستادگان خود را گرد آورده و از آنها درباره مأموریت محوله (تبلیغ پیام خدا به مردم) و برخورد مردم با این پیام پرسش می‌کند. همه فرستادگان «از خود نفی علم کرده و همه حقایق را موکول به علم پروردگار می‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۵، ص ۱۱۹): «يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (المائدة: ۱۰۹).

نکات اعتقادی - تربیتی آیه مذکور بدین شرح است:

- توحید صفاتی؛ علم بر عالم غیب و شهادت خاص خداست.
- وظیفه پیامبران (ع) تبلیغ دین خداست.
- همه افراد انسانی موظف به پذیرش دعوت پیامبران و ایمان به وحدانیت خداوند هستند.

#### ۱-۲. «توحید» و «چرایی شرک مردم به خدا»

موضوع دوم و اصلی‌ترین موضوع گفتگوی خدا با اهل ایمان، موضوع «توحید» و نقطه مقابل آن یعنی «چرایی شرک مردم نسبت به خدا» بود. پیامبران (ع) مخاطب خداوند به نسبت این پرسش (پرسش از توحید و چرایی شرک نسبت به خدا) بودند و در میان آنها، عیسی فرزند مریم (ع) به عنوان نمونه ذکر شده بود که این انتخاب ممکن است به انحراف شدیدی برگردد که پیروان این پیامبر خدا (ع) نسبت به او و مادرش در این زمینه مرتکب شده‌اند:

«وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيْ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ إِنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ. إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ إِنْ تُغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ...» (المائدة: ۱۱۹-۱۱۶).

عیسی (ع) به یک گفتگوی دو طرفه با خداوند کشیده می‌شود؛ گفتگویی که در متن آن یک بازخواست و دادگاهی نهفته است. در این گفتگو از موضوع شرک به خدا صحبت می‌شود؛ عملی که پیروان او (ع) بعد از وفاتش نسبت به خدا مرتکب شدند. از این مهم سؤال می‌شود که چرا پیروانش او و مادرش را به عنوان «اله و خدای خود» در کنار خداوند متعال به خدایی گرفته و اینگونه از مسیر توحید دور شده‌اند.

«بدون شک مسیح (ع) چنین چیزی را نگفته است و تنها دعوت به توحید و عبادت خدا نموده است اما منظور از این استفهام اقرار گرفتن از او در برابر امتش و بیان محکومیت آنها است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۵، ص ۱۳۴).



او در دفاع از خود نخست زبان به تسبیح خداوند می‌گشاید و ذات او را از هر گونه شریک و شبیه تبرئه می‌کند و خود را از انجام چنین عمل ناشایستی نسبت به خدا تبرئه می‌نماید سپس استناد به علم بی‌پایان پروردگار کرده، می‌گوید: «گواه من این است که اگر چنین می‌گفتم می‌دانستی، زیرا تو از آنچه در درون روح و جان من است آگاهی، در حالی که من از آنچه در ذات پاک تو است بی‌خبرم، زیرا تو علام الغیوب و با خبر از تمام رازها و پنهانیا هستی ... من تا آن زمان که در میانشان بودم مراقب و گواه آنها بودم و نگذاشتم راه شرک را پیش گیرند اما به هنگامی که مرا از میان آنها برگرفتی تو مراقب و نگاهبان آنها بودی و تو گواه بر هر چیزی هستی ... و با اینهمه باز امر، امر تو و خواست، خواست تو است، اگر آنها را در برابر این انحراف بزرگ مجازات کنی بندگان تو هستند و قادر به فرار از زیر بار این مجازات نخواهند بود و این حق برای تو در برابر بندگان نافرمانت ثابت است و اگر آنها را ببخشی و از گناهانشان صرف نظر کنی توانا و حکیم هستی، نه بخشش تو نشانه ضعف است، و نه مجازاتت خالی از حکمت و حساب» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۵، ص ۱۳۶-۱۳۴).

پرسش از «توحید» از برخی از پیروان پیامبران یعنی جانشینان آنها در دعوت مردم به سوی خدا نیز مطرح شده است: «و یَوْمَ یُحْشُرُهُمْ وَ مَا یُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فِیْ قَوْلٍ اَنْتُمْ اَضَلُّ لْتُمْ عِبَادِیْ هٰؤُلَاءِ اَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِیْلَ. قَالُوا سُبْحٰنَكَ مَا کَانَ یَنْبَغِیْ لَنَا اَنْ نَّتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ اَوْلِیَاءَ وَ لَکِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ اَبَاءَهُمْ حَتّٰی نَسُوا الذِّکْرَ وَ کَانُوْا قَوْمًا بُورًا» (الفرقان: ۱۸-۱۷).

دعوتگران و ادامه دهندگان مسیر انبیا نیز در یک گفتگو با خداوند و با موضوع توحید و شرک شرکت داده می‌شوند. آنها نیز همچون فرشتگان و پیامبران (ع) از در تبرئه خود و تسبیح خداوند و تنزیه ذات او بر آمده و از انجام هر دعوتی مبنی بر شرک به خدا و معبود قرار دادن خود به جای خدا اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و بر این مهم استناد می‌کنند که «هیچ یک از مخلوقات؛ نه ما و نه دیگران شایسته این نیست جز ذات تو را پرستش کنند. ما چنین دعوتی (دعوت به شرک) را نکرده‌ایم بلکه آنها از روی هوا و هوس به این مسیر گرایش پیدا کرده‌اند مسیری که نه به آن امر کردیم و نه نسبت به آن راضی بوده‌ایم. ما برائت خود را از آنها و اعمالشان اعلان می‌داریم» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۹۱).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- توحید خدا نخستین رکن از ارکان ایمان به خدا است و دعوت به آن نخستین وظیفه پیامبران و دعوتگران به دین خداست.



- پرسش از توحید در جهان آخرت پرسشی همگانی است.  
 - انسان‌ها در مسیر ایمان به خدا باید بر موضوع توحید خدا تمرکز داشته و از هر نوع فکر و عملی که سبب خروج آنها از این دایره می‌شود بر حذر باشند.

### ۱-۱-۳. شکایت از «هجر نسبت به قرآن»

موضوع دیگر مطرح شده موضوع «شکایت خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی (ص) از امت خود» به نسبت «هجر از قرآن» یعنی هجر از آخرین کتاب نازل شده برای راهنمای جنس بشر است که این موضوع در آیات قرآن در قالب یک «شبه گفتگو» منعکس شده است. اشاره به شکایت خاتم پیامبران نمونه‌ای از شکایت سایر پیامبران از امت خود نسبت به کوتاهی در پذیرش دعوت آنها می‌تواند باشد (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۱۵): «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (الفرقان: ۳۰).

«منظور از هجر قرآن عدم عمل به دستورات و عدم امتثال به اوامر و عدم دوری گرفتن از منهیات آن است» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۱۷)، و نیز به معنی «عدم توجه به [اوامر و نواهی] آن و عدم گوش دادن (توجه) به آن است» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۴۲).  
 در این گفتگو و در پاسخ به شکایت مطرح شده، پاسخی از سوی الله متعال منعکس نشده است اما بنا به نصوص صریح آیات رسیدگی به شکایات و از آن جمله شکایت پیامبران (ع) و خاتم آنها (ص) امری قطعی در داوری خداوند مابین بندگان در آن روز است: «وَأَتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُضِّمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس: ۱۰۹).

نکات اعتقادی - تربیتی آیه بدین شرح است:

- ایمان به پیامبران خدا و کتاب‌های آسمانی از ارکان ایمان هستند.
- کم‌توجهی و غفلت از قرآن مورد شکایت پیامبر خاتم (ص) در دادگاه الهی می‌شود.
- انس و توجه و تبعیت و بکارگیری دستورات قرآن از وظایف اهل ایمان است.

### ۱-۱-۴. اظهار رضایت از اهل ایمان

موضوع دیگر گفتگو در دیالوگ خداوند با اهل ایمان از نوع انسان (نه فرشتگان و جن)، اظهار رضایت از آنها و دعوت به بهره‌مندی از نعمتهای بهشتی و ... است. در این گفتگو جز درخواست افزایش نور و بخشش و غفران بیشتر از خدا از سوی اهل ایمان چیز دیگری در مجموعه آیات این حوزه (آیات حوزه جهان آخرت) منعکس نشده است «زمانی که اهل ایمان اهل نفاق را

می‌بینند که بی نور (محروم از نور) هستند» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۱۹۱): «... يَقُولُونَ رَبَّنَا اَعْمَمْنَا لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (التحریم: ۸).

جز آنچه گفته شد گفتگوهای دیگر مابین خداوند و اهل ایمان، گفتگویی یک طرفه یا شبه گفتگو است. موضوع این شبه گفتگو خطاب قرار دادن اهل ایمان از سوی خداوند؛ خطابی سرشار از رضایت و خشنودی نسبت به آنها و عملکردشان از یک سو و «سکوت» اهل ایمان در برابر کلام خداوند از سوی دیگر نیست؛ سکوتی که زبان حال آنها از رضایت و خشنودی نسبت به بخشش‌ها و توجهات خداوند نسبت به آنهاست:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَ ادْخُلِي جَنَّتِي»

(الفجر: ۲۷-۳۰).

«يَا عِبَادِ لَا حَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ \* الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا مُسْلِمِينَ \* ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ \* يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهُهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ \* وَ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ \* لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ» (الزخرف: ۶۸-۷۳)

نکات اعتقادی - تربیتی آیه بدین شرح است:

- اعتقاد به وجود بهشت و دوزخ از اعتقادات تفکر دینی است.
- رضایت و خشنودی خداوند خاص اهل ایمان و سخط خداوند خاص اهل کفر است.
- دعای بهره‌مندی از نعمت‌های بهشتی و کسب نور الهی و قرب بیشتر به خدا مهمترین خواسته اهل ایمان در بهشت است.
- اهل ایمان باید بر کسب رضایت خدا، اخلاص در فکر و عمل مواظبت داشته باشند.

## ۲-۱. گفتگوهای خدا و اهل کفر

پیش‌تر گفته شد که بیشترین حجم گفتگو در قسمت نخست (گفتگوی خدا با بندگان)، «گفتگوی خداوند با اهل کفر» است (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۱۲). مهمترین موضوعات مورد گفتگو در حوزه آیات جهان پس از مرگ و در این قسمت (خدا و اهل کفر) به شرح زیر قابل مشاهده بود:



### ۱-۲-۱. «توحید» و «چرایی شرک به خدا»

پرسش از اهل کفر در زمینه «توحید» و «چرایی شرک به خدا» به نسبت مطرح شدن آن با پیامبران و فرشتگان، مفصل‌تر، شدیدتر و سرشار از توبیخ به نظر رسید. در مرحله نخست و با ادبیاتی توبیخی از اهل کفر خواسته می‌شود که نشان دهنده شریکانی باشند که آنها را در دنیا همتای خدا قرار می‌دادند و از آنها خواسته می‌شود که آنها را به فریاد بخوانند تا یاری دهنده و نجات دهنده آنها از وضعیت ناخرسند و خسران آمیزی باشند که گرفتارش شده‌اند اما هیچ جواب و فریادرسی از سوی آنها محقق نخواهد شد:

«وَ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ. مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُم أَوْ يَنْتَصِرُونَ» (الشعراء: ۹۳-۹۲).

«وَ يَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا»

(الکھف: ۵۲).

موضعگیری اهل کفر در پاسخ به پرسش خداوند و نشان دادن معبودان گمانی برای نجات، نخست وارد شدن از در دروغ و انکار موضوع (شرک خود نسبت به خدا) و سوگند بر این امر است: «... قَالُوا صَلُّوا عَلَيْنَا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا...» (غافر: ۷۴) و «تُمْ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَ اللَّهُ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (الأنعام: ۲۳).

در مواردی نیز خداوند با صیغه غایب آنها را اهل دروغ معرفی می‌کند: «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (الأنعام: ۲۴).

دروغ و انکار مدت زیادی طول نمی‌کشد سپس شروع به نشان دادن معبودان دنیایی خود به خداوند می‌کنند تا شاید راه نجاتی برای رهایی از خشم و غضب خداوند باشد: «وَ إِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ...» (النحل: ۸۶).

سپس ارائه «استدلال بر شرک» از آنها خواسته می‌شود: «وَ نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ...» (القصص: ۷۵).

سرانجام این گفتگو انجام داوری مابین مشرکان و معبودان دنیایی از سوی خداست: «وَ يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَ شُرَكَائِكُمْ فَرَوَّيْنَا بَيْنَهُمْ...» (یونس: ۲۸).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- پرسش از توحید از نخستین موضوع در دیالوگ خدا با اهل کفر در دادگاه الهی در جهان آخرت است.

- از نمودهای عدل الهی در جهان آخرت دادن فرصت به اهل کفر برای دفاع از خود و استدلال بر چرایی شرکشان نسبت به خداست و این نشان از نقش عقل در یافتن مسیر صحیح زندگی دارد.
- شرک به خدا جز تبعیت از هوای نفس از هیچ پشتوانه عقلی و علمی‌ای برخوردار نیست.
- اهل ایمان در همه موضوعات ایمانی و بخصوص موضوع توحید باید اهل دقت و مراقبت فکری و رفتاری باشند.

### ۱-۲-۲. نعمت پیامبران (ع) و موضعگیری در برابر دعوت آنها

پیامبرانی از سوی الله متعال و از جنس بشر برای راهنمای و آگاهانیدن این مخلوق عاقل و مختار به حقیقت‌های عالم شهادت و عالم غیب و اهداف آفرینش جهان و آفرینش او فرستاده شدند. آنها مأمور تعلیم و تربیت انسان بودند. او را نسبت به فلسفه وجودی‌اش راهنمایی کرده و از آینده و نتایج مسیری که انتخاب می‌کند با خبر کردند. خداوند فرستادن پیامبران را بر انسان منت نهاده است (آل عمران: ۱۶۴) و بر این اساس در دادگاه الهی از این نعمت سوال خواهد پرسید و اهل کفر را به خاطر موضعگیری نامناسب نسبت به این نعمت بازخواست می‌کند:

«يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يُفَصِّحُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَ يُبَيِّنُونَ لَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا

...» (الانعام: ۱۳۰).

«و يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ» (القصص: ۶۵).

مفسرین و اندیشمندان در مواجهه با اینگونه آیات معتقدند که «اهل کفر در جواب سوال پروردگار از نعمت پیامبران توانایی هیچ گونه استدلالی را ندارند» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۲۵) و «نمی‌توانند هیچ استدلال مقبولی را در جواب سوال پروردگار ارائه دهند که سبب نجات آنها شود و ناتوان از دفاع از خود هستند و جز سکوت چاره‌ای ندارند. حتی توانایی پرسیدن از یکدیگر و کسب راه چاره را ندارند و این عدم توانایی به دهشت و وحشتی برمی‌گردد که اهل کفر از وضعیت نامطلوب خود در قیامت و دادگاه عدل الهی دامنگیرشان شده است» (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۰، ص ۱۴۵).

آنها در این گفتگو و بازخواست چیزی جز اعتراف و شهادت بر گناه خود پاسخ به خداوند نمی‌توانند ارائه دهند: «... وَ شَهِدُوا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ اَنَّهُمْ كَانُوْا كٰفِرِيْنَ» (الانعام: ۱۳۰).



آنها در ادامه این گفتگو و پس از آرزویی دست نیافتنی نسبت به اطاعت از خدا و فرستادگان خدا در دنیا (زمان تکلیف)، اعتراف بر گناهان کرده و ضمن معرفی مسبب انحرافشان از خداوند عذاب دوچندان را برای آنها درخواست می‌کنند: «... يُقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ. وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا \* رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَ الْعَنَهُمْ لَعْنَا كَبِيرَا» (الأحزاب: ۶۸-۶۶).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- پیامبران به عنوان راهنمایان اعتقادی - تربیتی انسان از نعمتهای خدا به شمار می‌آیند.
- در دادگاه جهان آخرت از نعمت پیامبران سوال خواهد شد.
- هر فردی از اهل ایمان باید شکرگزار نعمتهای خدا و از آن جمله نعمت پیامبران با شناخت آنها و تبعیت از برنامه آنها باشد.

### ۱-۲-۳. حقایق و وعده‌های داده شده

صحنه دیگر از دیالوگ‌های جهان آخرت منعکس شده در آیات قرآن مابین خداوند اهل کفر طرح موضوع «حقانیت وعده‌های داده شده» از سوی خداوند است. خداوند در این زمینه اهل کفر را خطاب قرار داده و از آنها دیدن وعده‌های محقق شده را می‌خواهد که مورد تکذیب و تمسخر آنها در دنیا بودند: «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي عَفْوَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَك فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق: ۲۲).

در این آیات خطاب شده است که ای اهل کفر امروز پرده‌هایی که در دنیا مانع دیدن حقیقت بودند کنار رفته است، پرده‌های جهان مادی، پرده‌های آمال و آرزوها، پرده‌های عشق و علاقه به دنیا، مال و ثروت و مقام، هوس‌های سرکش و حسادت‌ها، پرده‌های تعصب و جهل و لجاجت. امروز گرد و غبار غفلت فرو نشسته، حجاب‌های جهل و تعصب و لجاجت کنار رفته، پرده‌های شهوات و آمال و آرزوها دریده شده و آنچه در پرده غیب مستور بوده ظاهر گشته است. امروز یوم البروز و یوم الشهود و یوم تبلی السرائر است! - حال چشمی تیزبین پیدا کرده‌ای - و حقایق را به خوبی می‌توانی درک کنی (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۲۲-۹۲۱).

پاسخ اهل کفر به پرسش مملو از توبیخ چیزی جز اعتراف و جواب خداوند به اعتراف اهل کفر چیزی جز مژده دادن به چشیدن عذاب نیست: «... وَ لَوْ تَرَى إِذْ يُقْفَوْنَ عَلَىٰ رُجْمٍ قَالِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ...» (الانعام: ۳۰) و «... بَلَىٰ وَ رَبَّنَا قَالِ فَذُوُّوا الْعَذَابِ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (الانعام: ۳۰).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- ایمان به جهان آخرت از ارکان دین اسلام است.
- ایمان به تحقق وعده‌های داده شده از سوی خدا جزو توحید صفاتی خداوند است.
- صداقت در انجام وعده‌های داده شده از صفات رفتاری اهل ایمان است.

#### ۴-۲-۱. قضاوت درباره خود و کارنامه اعمال خود

دستور به مطالعه نامه‌ی اعمال و قضاوت نسبت به وضعیت خود، در دادگاه الهی، یکی دیگر از موضوعات مورد گفتگوی خداوند و اهل کفر است. این نوع از گفتگو در حقیقت گفتگویی یک طرفه و شبه گفتگو است؛ خداوند خطاب توبیخی می‌کند و اهل کفر سکوت؛ سکوتی که نشان از اعتراف بر حقانیت آنچه خطاب قرار داده می‌شوند: «افْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا...» (الإسراء: ۱۴) و در آیه ای دیگر آمده است: «هَذَا كِتَابُنَا يُنطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (الجاثية: ۲۹).

مفسرین قرآن کریم معتقدند «کتاب بر اساس اعمالی که شما (اهل کفر) انجام داده‌اید بدون هیچ نقص و زیادت، علیه شما شهادت می‌دهد هر چند این اعمال را فرشتگان مأمور ثبت و ضبط کرده‌اند» (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۶۸۱).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش نیز بدین شرح است:

- ایمان به فرشتگان و شناخت وظایف آنها از جمله ثبت و ضبط اعمال انسان از ارکان ایمان به شمار می‌آید.
- هر فردی در جهان آخرت مسئول پاسخگویی به اعمال خود است و سرانجامش به اعمالش بستگی دارد.
- انسان باید نسبت به افکار و رفتار و گفتار خود اهل دقت و مسئولیت پذیری باشد.

#### ۵-۲-۱. عهد الهی

سؤال از «عهد الهی» یکی دیگر از موضوعات گفتگو مابین خدا و اهل کفر در دادگاه الهی در جهان پس از مرگ است؛ عهد عدم عبادت و پرستش و اطاعت از شیطان، «همان عهدی که به زبان انبیا و رسولان خود به بشر ابلاغ فرمود و تهدیدشان کرد از اینکه او را پیروی کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۱۵۲). در این دیالوگ خداوند اهل کفر را خطاب قرار داده که



چرا نسبت به این عهد اهل پایبندی نبودید: «وَ امْتَاٰزُوا الْيَوْمَ اَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ \* اَلَمْ اَعْهَدْ لِيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ \* وَ اِنْ اَعْبُدُوْنِيْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيْمٌ» (یس: ۶۱-۵۹).

«مخاطبین خطاب گرچه همه فرزندان آدم را شامل می‌شود اما بنا به متن آیات و توبیخی بودن خطاب، مشمول اهل ایمان نمی‌شود زیرا اهل ایمان در زندگی دنیا متعهد و مراعات کننده عهد ذکر شده بوده‌اند پس به دور از توبیخ مطرح شده خواهند بود. اهل کفر مخاطب توبیخ هستند؛ توبیخ بر عدم رعایت عهد داده شده با الله از یک سو و معترف بودن و اظهار پشیمانی و ندامت بر کوتاهی از سوی دیگر» (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۲۷-۹۲۶).

و پاسخ اهل کفر در این زمینه نیز همچون زمینه‌های دیگر اعتراف به گناه و غفلت و طغیان چیز دیگری نیست: «... يَا وَاٰلِنَا قَدْ كُنَّا فِيْ غَفْلَةٍ مِّنْ هٰذَا بَلْ كُنَّا ظٰلِمِيْنَ» (الانبیاء: ۹۷) و «قَالُوْا يَا وَاٰلِنَا اِنَّا كُنَّا ظٰغِيْنَ» (القلم: ۳۱).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش نیز بدین شرح است:

- ایمان به خدا و اطاعت از دستورات او عهدی فطری مابین خدا و انسان است.
- رعایت عهد بسته شده با خدا از مقتضیات ایمان به شمار می‌آید.
- ابلیس و اعوان او مهمترین مانع در تحقق وعده بسته شده مابین الله و انسان هستند.
- دشمن‌شناسی یکی از مهمترین آموزه‌های دینی است.

#### ۱-۲-۶. بی توجهی خدا به اهل کفر و چرایی این بی توجهی

صحنه دیگری از وضعیت اهل کفر در جهان آخرت و گفتگوی مابین آنها با خدا به وضعیت محشور شدن آنها به شکل نابینا و بی توجهی نسبت به آنها برمی‌گردد. وقتی این گروه از بندگان خدا از چرایی این وضعیت ناخوشایند خود از خداوند سؤال می‌کنند خداوند متعال سبب این امر را «غفلت [آنها] نسبت به خدا در زندگی دنیا و تمسخر و تکذیب آیات او و تکذیب موضوع جهان آخرت» بیان می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۲۰۱): «وَ مَنْ اَعْرَضَ عَنِّ دِكْرِيْ فَاِنَّ لَهُ مَعِيْشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اَعْمٰی \* قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيْ اَعْمٰی وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيْرًا \* قَالَ كَذٰلِكَ اَتَتْكَ آيٰتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَ كَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسٰی» (طه: ۱۲۶-۱۲۴).

این موضوع در آیات دیگر به شکل یک شبهه گفتگو انعکاس داده می‌شود: «وَ قِيْلَ الْيَوْمَ نُنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا وَ مَأْوَاكُمْ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نٰصِرِيْنَ \* ذٰلِكُمْ بِاَنْكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيٰتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَ عَزَّيْتُمْ الْحَيٰةَ الدُّنْيَا...» (الجاثية: ۳۵-۳۴).



سبب این بی توجهی و چرایی آن به موضوع «به سخریه گرفتن آیات خدا و استهزاء نسبت به آن آیات و فریفته شدن نسبت به زندگی دنیایی برمی گردد» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۸، ص ۲۷۵): «فُدُوْا بِمَا نَسِيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (السجدة: ۱۴).

«عدم ایمان به روز قیامت و انتخاب مسیر کفر و تکذیب [آیات خدا] سبب رها شدن در آتش دوزخ [و بی توجهی خدا نسبت به نجات این گروه از بندگان] می شود» (محلّی و سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۱۹).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- عدالت خدا در دادگاه جهان آخرت از مقتضیات اعتقادی اهل ایمان است.
- فراموشی خدا، تکذیب آیات خدا، سرگرم شدن به دنیا و فریفته شدن به آن، فراموشی جهان آخرت از اسباب بی توجهی خدا به انسان در قیامت است.
- یاد خدا تضمین کننده مسیر صحیح زندگی در این جهان و سعادت او در جهان آخرت است.

#### ۱-۲-۷. درخواست عذاب مضاعف

صحنه دیگری از گفتگوی خداوند با اهل کفر موضوع درخواستی است که این گروه از خداوند می کنند و آن عذاب دوچندان و لگدکوب کردن مسبب انحرافشان در آتش دوزخ است. آیات این بخش بدین شرح است:

«و قالوا ربنا اننا اطعنا سادتنا و كبراءنا فاصلونا السبيلا \* ربنا آتهم ضعفين من العذاب و العنهم لعنا كبيرا» (الأحزاب: ۶۸-۶۷).

«قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً في النار» (ص: ۶۱).

«و قال الذين كفروا ربنا اربنا الذين اضللنا من الجب و الإنس نجعلهما تحت اقدامنا ليكونا من الأسفلين» (فصلت: ۲۹).

و پاسخ خداوند در این دیالوگ، گرفتاری هر دو گروه به عذاب مضاعف است: «... قال لِكُلِّ ضِعْفٍ وَ لِكِنْ لَا تَعْلَمُونَ» (الأعراف: ۳۹).



ازهری در معنای «الضعف» گوید: «این کلمه در کلام عرب مثالی است برای آنچه زیادی است زیرا الضعف در اصل زیادی غیر محصور است و دلیل چنین امری این فرموده خداست که می‌فرماید: «فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا» (سبا: ۳۷)» (فخر الدین رازی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸).

«پروردگارا، آنها را همچون عذاب دادن ما عذاب بده [بلکه] آنها را دو بار عذاب بده یک بار بخاطر کفر خودشان و بار دیگر بخاطر منحرف کردن ما و آنها را از رحمت خود بسیار دور بگردان» (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۱۱۷).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- تبری جستن اهل کفر از یکدیگر در جهان آخرت حقیقتی محقق شدنی است.
- دوستان و رهبران و پیروان کفر دشمن یکدیگر در جهان آخرت هستند.
- معیار انتخاب رهبر، سرپرست، دوست و همراه باید ایمان به خدا باشد.

#### ۱-۲-۸. ورود به جهنم و دستور به چشیدن عذاب

«ورود به جهنم و دستور به چشیدن عذاب» موضوعی دیگر از موضوعات دیالوگ مابین خداوند و اهل کفر در جهان آخرت است. گفتگو در این قسمت یک گفتگوی یک طرفه و در حقیقت شبه گفتگو است و مجهول بودن متکلم می‌تواند نشان از بی‌توجهی به مخاطبین کلام (اهل دوزخ) باشد. آیات این بخش بدین شرح است:

«و يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ» (الأحقاف: ۲۰)

«هذه جهنم التي كنتم تُوعَدُونَ \* اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون» (یس: ۶۴-۶۳)

در بخشی دیگر از این شبه گفتگو «غفلت اهل کفر نسبت به جهان آخرت و تکذیب آن و نیز فراموشی خداوند و دستورات او -جل جلاله- در زندگی دنیایی» چرایی این بی‌توجهی معرفی شده است:

«فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (السجده: ۱۴).

«هذه النار التي كنتم بما تكذبون» (الطور: ۱۴).

و در آیات دیگر «عملکرد دنیایی اهل کفر» نتیجه برخورد با این نوع عذاب معرفی می‌شود: «يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ يَقُولُ دُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (العنكبوت: ۵۵).  
 و اما جز «سکوت و تسلیم امر واقع شدن» سخن و پاسخی از سوی اهل کفر شنیده نمی‌شود: «بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ» (الصفات: ۲۶) و «وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ» (النمل: ۸۵).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش نیز بدین شرح است:

- اعتقاد به پایان جهان از مقتضیات ایمان است.
- استکبار در زمین، فراموشی جهان آخرت، ظلم و فسق در دنیا منتج به عذاب همگون با آن در جهان آخرت است.
- از صفات رفتاری اهل ایمان تلاش در جهت آبادانی زمین، گام برداشتن در مسیر خدا و آمادگی برای جهان آخرت است.

#### ۱-۲-۹. درخواست برداشتن عذاب و خروج از دوزخ یا تخفیف عذاب

موضوع دیگر گفتگوی خداوند و اهل کفر در آخرت مسئله درخواست نسبت به خروج از دوزخ یا تخفیف عذاب دوزخی و رد این درخواست همراه با مطرح شدن علت این رد کردن است: «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ \* أَلَيْسَ لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ \* ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ \* إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» (الدخان: ۱۵-۱۲)

جواب اهل کفر با ضماین غایب از سوی خدا در ابتدای آیات نشان از بی‌توجهی به اهل کفر و درخواست آنها دارد و تغییر این ضماین به مخاطب در ادامه آیات در جهت اطمینان بخشی به اهل کفر نسبت به مخاطب بودن آنها در آنچه گفته می‌شود است.

در بخش دیگری از آیات این حوزه، سبب رد درخواست، «غفلت از آیات خدا و فراموشی جهان آخرت و تمسخر به آن و فریفته شدن به زندگی دنیایی از سوی اهل کفر» بیان می‌شود: «وَ قِيلَ الْيَوْمَ نَسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَا أَوَّاهُمْ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ \* ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَ عَزَّيْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَ لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ» (الجاثية: ۳۵-۳۴)

«بدون شک فراموشی برای ذات پاک خداوند که علمش محیط به تمام عالم هستی است مفهومی ندارد، این کنایه لطیفی است از بی‌اعتنایی و نادیده گرفتن یک انسان مجرم و گنهگار» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۱، ص ۲۸۸).



در این گفتگو اهل کفر بر ماندن در دوزخ و عدم هر نوع یاری از سوی خدا اطمینان داده می‌شوند: «لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصِرُونَ» (المؤمنون: ۶۵) و «... وَ نَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ» (سبأ: ۴۲).

اهل کفر از هر نوع سودی که اشاره به شفاعت (طبرسی، ۱۳۷۵ش، ج ۲۰، ص ۲۸۴) و هر نوع یاری رسانیدن به یکدیگر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۸، ص ۱۲۱) محروم هستند. سیاق آیات، فاعل فعل‌های مجهول را خداوند نشان می‌دهد.

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- ایمان به جهان آخرت و وحی‌های الهی از ارکان ایمان هستند.

- بی‌توجهی نسبت به جهان آخرت، استهزا به آیات خدا و سرگرم شدن به زندگی دنیا منتج به عذاب جاودانی در جهان آخرت می‌شود.

- از ویژگی‌های اعتقادی و رفتاری اهل ایمان توجه به آیات خدا و جهان آخرت و هدف قرار ندادن زندگی دنیا است.

#### ۱-۲-۱. کوتاه بودن عمر دنیای انسان و عدم استفاده صحیح از آن

صحنه دیگری از دیالوگ خداوند و اهل کفر در آیات حوزه جهان آخرت پرسش و پاسخ نسبت به «عمر» داده شده و اشاره به کوتاهی آن و ندامت نسبت به عدم استفاده بهینه از آن از سوی اهل کفر است: «قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ. قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلُ الْعَادِينَ \* قَالَ إِنَّ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (المؤمنون: ۱۱۴-۱۱۲).

پیامبر (ص) فرمودند: «الله متعال زمانی که اهل بهشت را به بهشت و اهل دوزخ را به دوزخ وارد می‌کند ... به اهل دوزخ می‌فرماید: چه مدت در دنیا ماندید؟ گویند: روزی یا مدتی از یک روز. می‌فرماید: چه بد تجارتی کردید در این یک روز یا مدتی از آن. در این مدت آتش و سخط من را به خود اختصاص دادید پس در آن عذاب برای همیشه بمانید ... اگر دنیای فانی را بر جهان باقی ترجیح نمی‌دادید و با [عمر] خود معامله و برخورد بدی نمی‌کردید هرگز در این مدت کوتاه مستحق سخط و عذاب خدا نمی‌شدید (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۳۹).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- توحید صفاتی (باقی بودن الله متعال) از ارکان ایمان است.

- نگاه جاودانه به زندگی دنیا و هدف قرار دادن آن از اسباب انحراف فکری - رفتاری انسان است.

- استفاده صحیح از عمر و نعمت‌های داده شده از ویژگی انسان‌های خردمند است.

### ۱-۲-۱۱. درخواست بازگشت به دنیا و جبران مافات

موضوع دیگری که در دیالوگ‌های خداوند با بندگان خود از اهل کفر در مجموعه آیات جهان آخرت مطرح می‌شود موضوع درخواست بازگشت به دنیا پس از دیدن حقیقت وعده داده شده از سوی خدا و فرستادگان خدا با هدف جبران کوتاهی‌هایی است که این دسته از بندگان خدا مرتکب شده‌اند:

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ \* لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المؤمنون: ۹۹-۱۰۰).

«وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ» (السجده: ۱۲).

این درخواست از سوی خداوند به عنوان ادای کلماتی بی تأثیر توصیف می‌شود و سبب این بی تأثیر بودن و عدم توجه به خواسته اهل کفر از سوی خداوند بخشیدن فرصت مناسب و عمر لازم برای بیدار شدن و داشتن رسولان و فرستادگانی از سوی خداوند برای بیدار باش از یک سو و بی مبالاتی اهل کفر نسبت به این مهم و از وادی تمسخر برخورد کردن با این پیام و پیام آوران از سوی دیگر بیان می‌شود:

«أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ» (المؤمنون: ۱۰۵).

«... أَوْ لَمْ نَعْمَرِكُمْ مَا يَنْذِكُرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرُ وَ جَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ» (فاطر: ۳۷).

اهل کفر از بدبختی خود سخن گفته و درخواست خود را تکرار می‌کنند اما این درخواست با شدیدترین کلمات رد شده و در استدلال بر این رد، موضعگیری ناشایست آنها به نسبت اهل ایمان یادآوری می‌شود: «قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ... قَالَ احْسَبُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُون \* إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ \* فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِحْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ» (المؤمنون: ۱۱۰-۱۰۶).

تکذیب و اصرار بر این تکذیب به نسبت زنده شدن دوباره و وقوع جهان دیگر یادآور می‌شوند: «... أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلِ مَا لَكُمُ مِنْ زَوَالٍ» (إبراهیم: ۴۴).



نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- ایمان به جهان آخرت و مبعوث شدن دوباره انسان از ارکان ایمان است.
- ایمان به پیامبران (ع) و کتابهای آسمانی از ارکان ایمان هستند.
- فرصت و عمر داده شده به انسان نعمتی غیر قابل جبران و بازگشت است.
- اهتمام به زمان و وقت و استفاده از آن با بهره‌گیری از راهنمایی پیامبران (ع) با هدف یافتن مسیر صحیح زندگی امری واجب بر هر صاحب خردی است.

### ۳-۱. گفتگوهای خدا و اهل ایمان (فرشتگان)

بخش دیگری از آیات حوزه جهان آخرت انعکاس دهنده دیالوگی است ما بین خداوند و فرشتگان. موضوع این نوع از دیالوگ‌ها همانند دیالوگ‌های نوع نخست و دوم چندان متنوع نیست و در بسیاری از موارد در قالب یک شبه گفتگو و شبه دیالوگ به چشم می‌آید. مهمترین موضوع دیالوگ مابین خداوند و فرشتگان همچون دیالوگ نوع نخست و دوم (خداوند با پیامبران و اهل کفر) موضوع «توحید و شرک» است (ولدبیگی، ۱۴۰۲ش، ج ۲، ص ۹۵۲).

«تصور اهل شرک به نسبت فرشتگان این بود که آنها دختران خداوند و مقربان او - جلّ جلاله - هستند آنگونه که تصور یهود از عزیز و تصور نصاری از مسیح فرزند مریم (ع) است؛ پس تمثالی از فرشتگان ساخته و نام‌هایی که برگرفته از صفات الله متعال بود بر آنها گذاشته و آنها را با آن نام‌ها به فریاد می‌خواندند تا به خیال خود نجات دهنده آنها از مشکلات در دنیا و سبب نزدیک کردنشان به خداوند در جهان پس از مرگ باشند و اینگونه دچار شرک شدند» (سبحانی، ۲۰۱۱م، صص ۲۱۱-۲۱۰).

از این جهت این نوع از مخلوقات خداوند همچون پیامبران (ع) و بسیاری از اولیای خداوند مورد پرستش قرار گرفته‌اند و مردمان بسیاری آنها را به فریاد خوانده و جلب نفع و دفع ضرر را از آنها خواسته‌اند. در جهان آخرت و به هنگام دادگاه عدل الهی و در گفتگویی که خداوند با فرشتگان دارد آنها را از حقیقت معبود شدنشان بازخواست می‌کند: «وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ» (سبأ: ۴۰).

«پاسخ آنها جز تبرئه خود در این موضوع که معبود مردمان باشند نیست و این تبرئه را با عبارت تسبیح خداوند و این که جز تو کسی شایستگی معبود شدن را ندارد بیان می‌کنند» (ابن

عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲، ص ۸۴): «قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ» (سبأ: ۴۱).

موضوع دیگر در دیالوگ خداوند با فرشتگان (شبهه دیالوگ)، دستور خداوند به برخورد تند با اهل کفر و روانه کردن آنها به آتش دوزخ است: «اخْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ أَزْوَاجَهُمْ وَ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ \* مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ \* وَ قَفُوهُمْ إِتْمَمَ مَسْئَلُونَ» (الصافات: ۲۲-۲۴).

منظور از «أزواجهم» افرادی هستند که در اعمال و فکر و کیش با هم هستند، حال این ازواج از همسر شروع و غیر او را نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۳۴-۳۳): «حُدُوهُ فَاعْتَبِرُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ \* ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ» (الدخان: ۴۸-۴۷) و یا آیات دیگری که می‌فرماید: «حُدُوهُ فَعَلُّوهُ \* ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلُّوهُ \* ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فَاسْلُكُوهُ» (الحاقة: ۳۲-۳۰).

«این جملات دستور خدا به ملائکه را حکایت می‌کند، که بگیرد او را و در آتش بیفکنید. پس تقدیر کلام: يقال للملائكة خذوه ... است، یعنی به ملائکه گفته می‌شود بگیرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۶۶۸). «خداوند مأموران دوزخ [از فرشتگان] را امر می‌کند که اهل کفر را با شدت گرفته و آنها را با غل و زنجیر بسته و به جهنم بیندازند» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۳۱). در این شبهه گفتگو سخنی از سوی فرشتگان شنیده نمی‌شود. آنها انجام دهندگان دستورات خدای خود هستند، گویی در این گفتگو و در پاسخ به دستورات خداوند چنین می‌گویند: «سمعنا و اطعنا ربنا» زیرا آنها بندگان معصوم و مطیع فرمان پروردگار خود هستند: «... لا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (التحریم: ۶).

نکات اعتقادی - تربیتی آیات این بخش بدین شرح است:

- اعتقاد به وجود فرشتگان از ارکان ایمان است.
- فرشتگان مأموران اجرای اوامر خداوند در دنیا و آخرت هستند.
- معبود بودن خاص خداست و هیچ مخلوقی و از آن جمله فرشتگان در این امر شریک خداوند نیستند.
- رفتار فرشتگان در دنیا و آخرت با انسان‌ها بر معیار ایمان و کفر است.
- از صفات اهل ایمان اعتقاد به وجود فرشتگان و احساس به این امر که آنها ناظر و ثبت کننده اعمال و رفتارشان هستند.



### نتایج تحقیق

قرآن کریم، آخرین کتاب نازل شده از آسمان برای تربیت انسان است. مسایل اعتقادی (فکری) و تربیتی و مسایل مرتبط با آن، در این کتاب، در قالب‌های مختلف و متنوع ارائه شده است از آن جمله داستان، تمثیل، تشبیه و ... دیالوگ و گفتگو نیز یکی از قالب‌های مورد استفاده قرآن در همه زمینه‌های مطرح شده و از آن جمله مسایل اعتقادی (فکری) - تربیتی (رفتاری) است. این قالب و موضوعات مطرح شده در آن بخش عمده‌ای از آیات این کتاب را به خود اختصاص داده است.

این قالب از بیان از جهات مختلف متنوع است؛ طرفین دیالوگ‌ها، موضوعات مطرح شده و زمان دیالوگ‌ها؛ گاهی خدا با بندگان صحبت می‌کند و در موارد بسیاری نیز بندگان با یکدیگر یا بندگان با فرشتگان و حیوانات و غیر آنها صحبت می‌کنند. زمان دیالوگ‌های نیز به این جهان محدود نمی‌شود بلکه حجم گسترده‌ای از آنها به جهان پس از مرگ اشاره دارد که همین گستردگی حجم با هدف استخراج نکات اعتقادی (فکری) - تربیتی (رفتاری) از این گفتگوها سبب و هدف پژوهش حاضر را رقم زده است.

در مجموعه آیات حوزه جهان پس از مرگ طرفین دیالوگ‌ها گاهی خدا و بندگان خدا؛ اهل ایمان، اهل کفر و فرشتگان و گاهی اهل ایمان و اهل کفر با یکدیگر یا این دو گروه با فرشتگان و گاهی افراد با خود در حال گفتگو بودند.

موضوعات مطرح شده مابین طرفین گفتگوها نیز متنوع بود. این موضوعات همه جوانب زندگی را در بر داشت و در این میان موضوعات اعتقادی - تربیتی شکل غالبی را از خود نشان می‌داد؛ خداشناسی، انسان‌شناسی، فلسفه آفرینش به عام و فلسفه آفرینش انسان و شناخت حقیقت وجودی او به خاص، فلسفه فرستادن پیامبران و محتوای برنامه و کتابهای نازل شده بر آنها از سوی خداوند.

گفتگوی خدا و اهل کفر در این میان بیشترین حجم را به خود اختصاص داده بود و از تنوع بیشتری در مطرح شدن موضوعات برخوردار بود. توبیخ اهل کفر و چرایی شرک به خدا و فراموشی جهان آخرت و عدم استفاده از فرصت کوتاه داده شده و عدم بهره‌مندی از نعمت عقل و خرد در کنار نعمت پیامبران (ع) و نادیده گرفتن ندای فطری (عهد الهی) از سوی آنها و بی‌توجهی خدا به درخواست‌های مکرر آنها جهت بازگشت به دنیا و جبران گذشته و نشان دادن



حقانیت وعده‌های داده شده و دستور به ورود به دوزخ و چشیدن عذاب مضاعف و... از سوی خدا و فرشتگان خدا فضای حاکم بر این نوع از دیالوگ‌ها بود (پاسخ پرسش نخست). در متن و فضای گفتگوها به عام و گفتگوی خدا با اهل کفر به خاص نکات اعتقادی (فکری) - تربیتی (رفتاری) فراوانی قابل استخراج بود.

**الف) نکات اعتقادی (فکری):** توحید خدا و عدم شرک به او، ایمان به جهان آخرت، ایمان به پیامبران خدا، ایمان به کتابهای آسمانی، ایمان به فرشتگان خدا، ایمان به حقایق آن جهانی همچون بهشت و دوزخ، ایمان به عدل الهی در برخورد با انسان و ...

**ب) نکات تربیتی (رفتاری):** مسئولیت‌پذیری انسان به نسبت اعمال، گفتار و کردار خود، برخورد عقلایی با زندگی، تلاش در جهت کسب رضایت خدا و دوری از سخط و خشم او، توجه به اخلاص در عمل، شکرگزاری نسبت به نعمتهای معنوی و مادی خدا، صداقت در برخورد با خود و مردم، وفای به عهد و پیمانی که می‌دهد، شناخت دشمن و توجه به رفتارهای او، تبری جستن از اهل کفر، به دور بودن از استکبار و ظلم و فسق به نسبت دیگران، توجه به معیار ایمان در انتخاب رهبر، دوست و همراه، تلاش در جهت آبادانی زمین، استفاده بهینه از عمر داده شده در یافتن مسیر حقیقت و ... (پاسخ پرسش دوم).

دیالوگ‌های قرآنی در همه حوزه‌ها می‌توانند انسان را به درک بهتری از معارف دینی و جایگاه واقعی انسان در جهان هستی یاری کنند و بیانگر نکات بسیار مهم در زمینه‌های مختلف فکری، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تبلیغی (امر به معروف و نهی از منکر) و ... باشند که بررسی موضوع در هر یک از این حوزه‌ها، و عدم انجام آن به شکل مستقل که از محدودیت اصلی پیش‌روی پژوهش حاضر بود، نیاز به پژوهش‌های مستقلی دارد که انتظار می‌رود پژوهشگران با الگوپذیری از پژوهش حاضر به این مهم توجه کرده و در این زمینه قلم‌فرسایی کنند.



### کتاب‌نامه:

#### قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دهقان نیری، مرضیه؛ مقدسی نیا، مهدی، (۱۳۹۷ش)، «ادب در گفتمان قرآن: گفتگوی موسی (ع) و فرعون در سوره اعراف»، *مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی*، شماره ۸، صص ۲۴-۱.
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- رضایی، رمضان، (۱۳۹۹ش)، «پدر و فرزند در قرآن از منظر رتوریک»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره ۸۳، صص ۴۰۰-۳۸۷.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، (۱۴۱۸ق)، *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- زینی وند، تورج؛ اکبرزاده، فریبا، (۱۳۹۱ش)، «کاربرد امروزی گفتگوهای قرآنی در پرتو اخلاق اسلامی»، *فصلنامه آفاق دین*، سال ۲، شماره ۸، صص ۸۰-۵۱.
- سبحانی، ناصر، (۱۳۹۰ش)، *مقدمه‌ای بر توحید و شرک*، ویرایش: جهانگیر ولدبیگی، سنندج: نشر ویراستار.
- سبحانی، ناصر، (۲۰۱۱م)، *خواناسی (خدانشناسی)*، سلیمانیه: کتابخانه کاک شیخ.
- سبحانی، ناصر، (۱۳۶۰ش)، *تفسیر سوره القیامة (فایل صوتی دو ساعت)*، سنندج.
- صالحی متعهد، زهرا؛ طلایی، ابراهیم؛ صادق زاده قمیصری، علی رضا، (۱۳۹۳ش)، «گفتگوی تربیتی و اصول و روش‌های آن: واکاوی گفتگوهای تربیتی قرآن»، *پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۲۵، صص ۱۴۱-۱۱۹.
- صدیقی، اسدالله، (۱۳۹۰ش)، *گفتگوهای قرآنی (و بگو)*، تهران: رواق دانش.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۵ش)، *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه: اکبر غفوری؛ احمد امیر شادمهری، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

محلی، جلال الدین؛ سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۶ق)، *تفسیر الجلالین*، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

النحلاوی، عبدالرحمن، (۱۳۹۱ش)، *گفتگوهای قرآنی با رویکرد تربیتی*، ترجمه: ابراهیم مرادی، تهران: احسان.

ولدیگی، جهانگیر، (۱۳۹۶ش)، *ترجمه روان قرآن کریم*، قم: انتشارات مترجم.

### **Bibliography:**

Holy Quran

- Al-Nahlavi, Abdurrahman, (2013), *Quranic dialogues with an educational approach*, (Translation: Ebrahim Moradi), Tehran: Ehsan.
- Dehghan Nairi, Marzieh; Moghdisi Nia, Mahdi, (2017), *Literature in the Qur'anic Discourse: Conversation between Moses (PBUH) and Pharaoh in Surah A'raf*, *Studies of the Qur'an and Islamic Culture*, Winter. No. 8. pp. 1-24.
- Dehkhoda, Ali Akbar, (1377), *Dehkhoda dictionary*. Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran.
- Fakhr al-Din Razi, Muhammad ibn Umar, (1420 AH), *al-Tafseer al-Kabir (Mufatih al-Ghayb)*, Beirut: Dar Ihya Al-Tarath al-Arabi.
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir, (1420 A.H.), *Tahrir wa al-Tanvir known as Ibn Ashur's Commentary*, Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Foundation.
- Ibn Kathir, Ismail ibn Amr, (1419 AH), *Tafsir al-Qur'an al-Azeem (Ibn Kathir)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiya, Muhammad Ali Bizoon's pamphlets.
- Makarem Shirazi, Nasser, (1374), *Tafsir al-Nashon*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mohali, Jalaluddin; Siyuti, Jalal al-Din, (1416 AH), *Tafsir al-Jalalin*, Beirut: Al-Noor Press Institute.
- Qureshi Banabi, Ali Akbar, (1371), *Quran Dictionary*, Tehran: Dar al-Katb al-Islamiya.
- Rezaei, Ramadan, (2019), *Father and Son in the Qur'an from a Rhetorical Perspective*, *Epistemological Studies in Islamic University*, Summer, No. 83, pp. 387-400.
- Sedighi, Asadullah, (2010), *Quranic dialogues (and say)*, Tehran: Rowaq Danesh.

- Sobhani, Nasser, (1360), Commentary on Surah Al-Qiyamah (audio file of two hours), Sanandaj.
- Sobhani, Nasser, (1390), an introduction to monotheism and polytheism, (edited by: Jahangir Valdbeighi), Sanandaj: editor.
- Sobhani, Nasser, (2011), Khwanasi (Theology), Sulaymaniyah: Kak Sheikh Library.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1375), translation of Tafsir Jameim al-Jami, (translation: Akbar Ghafouri; Ahmad Amir Shadmehri and...), Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Tabatabaei, Muhammad Hossein, (1374), translation of Tafsir al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, (Translation: Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani), Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers.
- Valdbeighi, Jahangir, (2016), translation of Rowan Holy Quran, Qom: translator.
- Zaheli, Wahba bin Mustafa, (1418 AH), al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Sharia wa al-Manhaj, Beirut, Damascus: Dar al-Fekr al-Mawdah.
- Zahra, Zahra; Talai, Ibrahim; Sadeghzadeh Qomisri, Ali Reza, (2013), "Educational dialogue and its principles and methods: analysis of the educational dialogues of the Qur'an," Winter, Research in Islamic Education and Training, No. 25, pp. 119-141.
- Zini Vand, Toraj; Akbarzadeh, Fariba, (2013), the modern application of Quranic dialogues in the light of Islamic ethics, Afaq Din Quarterly, Spring, Year 2, Number 8, pp. 51-80.